

تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک در پیدایش درگیری‌های بین‌المللی؛

نمونه پژوهی: اشغال بلندی‌های جولان

مراد کاویانی‌راد^۱

افشین متقی دستنایی^۲

حسین مختاری هشی^۳

احمد رشیدی‌نژاد^۴

چکیده

طی یک صد سال گذشته محدودیت منابع آب با افزایش درخواست برای آب و دگرگونی‌های آب و هوایی به سیاسی شدن آب انجامیده است. به طوری که تکاپو برای فراهم کردن آب در کانون توجه قلمروداران (حاکمان و کارگزاران) قرار گرفته است. در کنار این وضعیت، گذر بیش از سیصد حوضه رودخانه‌ای از میان مرزهای دو یا چند کشور به خودی خود منبع بی‌ثباتی سیاسی است. وضعیتی که با ایجاد رابطه انکارناپذیر وابستگی متقابل، منابع آب را به یک مسئله حیاتی برای این کشورها مبدل کرده است. در این رابطه، برخی پژوهشگران به تاسی از نامگذاری قرن بیستم با عنوان "قرن نفت"، قرن بیست و یکم را به نام "قرن آب" نام‌گذاری کرده‌اند؛ قری که در آن آب تبدیل به موضوعی می‌شود که زاینده و زاینده درگیری‌های خشونت‌باری خواهد بود. بدیهی است که ژئوپلیتیک بحران در جنگ آتی، مناطق خشک و کم‌آب جهان خواهند بود. خاورمیانه بهترین نمونه و مصادق از این مناطق است. از یک سو قرارگیری این منطقه در کمربند خشک جهان و از سوی دیگر زندگی ۵۰ درصد جمعیت این منطقه در حوضه‌های آبریز مشترک، پتانسیلی برای تولید خشونت محسوب شده که در امتزاج با خصومت‌های قومی، اختلافات ارضی - مرزی و

۱. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) (Kaviani@khu.ac.ir)

۲. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی (A._Mottaghi@yahoo.com)

۳. استادیار جغرافیای دانشگاه اصفهان (H.mokhtari@geo.ui.ac.ir)

۴. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی (A_rashidin@yahoo.com)

تعارضات سیاسی- مذهبی، به حربه‌ای برای کشمکش و هماوردی منطقه‌ای مبدل می‌گردد. تا جایی که برخی از کشورهای این منطقه تن به رویارویی نظامی داده، ۳۰ مورد از مجموع ۳۷ مورد خشونت بر سر آب (طی ۵۰ سال گذشته)، در این منطقه رخ داده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است و با بررسی روند تصرف بلندی‌های جولان توسط رژیم صهیونیستی، ضمن صحنه گذاشتن بر اهمیت نظامی این منطقه برای این رژیم، بر این فرض استوار است که به نظر؛ آب و ارزش هیدروپلیتیک جولان از جمله عوامل پنج دهه اشغال و انضمام غیرقانونی این منطقه توسط رژیم صهیونیستی است. نتیجه پژوهش نشان داد که حتی اگر زمانی رژیم صهیونیستی طی روند صلح خاورمیانه، به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی مجبور شود، به تسلط خویش بر منابع آبی این مناطق ادامه خواهد داد.

واژگان کلیدی: آب، هیدروپلیتیک، جنگ، جولان، رژیم صهیونیستی

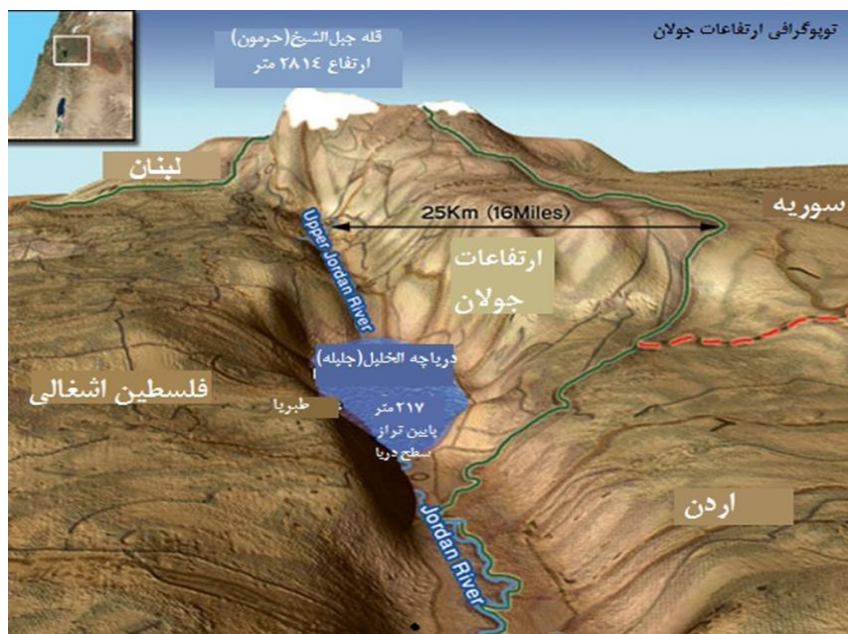
مقدمه

در بامداد روز پنجم ژوئن ۱۹۶۷، نیروی هوایی رژیم صهیونیستی در عملیاتی غافلگیرانه، با عبور از مرزهای سه کشور مصر، سوریه و اردن به مدت دو ساعت، نیروهای هوایی این کشورها را به شدت مورد حمله قرار داده و سومین جنگ بزرگ رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی آغاز شد. در ادامه، در حالی که ۹ کشور عربی به رژیم صهیونیستی اعلام جنگ کرده بودند، نیروی زمینی رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از سلاح‌های پیشرفته و پشتیبانی‌های انگلیس و آمریکا، طی شش روز، ارتش‌های مصر، سوریه و اردن را درهم شکست و بخش‌هایی از خاک چند کشور عربی را به اشغال خود درآورد. بخش‌هایی که چهار برابر تمام سرزمین‌های اشغالی پیشین زیر کنترل این رژیم و شامل سراسر صحرای سینا (مصر)، بلندی‌های جولان (سوریه)، کرانه‌های باختری رود اردن و تمامی بیت‌المقدس بود (History.com, 2018). در نهایت، آتش‌بس یازدهم ژوئن، شعله‌های جنگ را فرو نشاند و قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۲ نوامبر همان سال از همه دولت‌های درگیر خواست «تا از ادعاهای خود نسبت به سرزمین و حق حاکمیت یکدیگر صرف‌نظر کنند و مرزها را به رسمیت بشناسند» (Security Council, 1967). رژیم صهیونیستی نیز در ۱۹۷۸ شبه‌جزیره سینا را به مصر عودت داد اما تا به حال، حاضر به عقب‌نشینی از جولان و دیگر سرزمین‌های اشغالی فراتر از مرزهای ۱۹۴۸ (خط سبز)، نشده است (Hasan, 2019/3/26). غالباً درباره آغاز جنگ گفته می‌شود که گزارش اطلاعاتی اشتباه سازمان امنیت شوروی به مقامات مصری علت اصلی جنگ بود. بدین صورت که ظاهراً سازمان امنیت شوروی به «جمال عبدالناصر» رئیس‌جمهور مصر اطلاع می‌دهد که نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی در حال تجمع در مرز با سوریه هستند (Tesch, 2019). خبری که با ایجاد هراس در مقامات مصری، در تکاپوی تدارکات دفاعی، اقداماتی را صورت می‌دهند که موجب تحریک رژیم صهیونیستی برای آغاز تجاوز به خاک همسایگان را فراهم آورد. با این حال مصوبه ۵۳۶ هیأت حاکمه رژیم صهیونیستی، در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۶۷ و تنها سه روز قبل از تصویب قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد، گویای چیز دیگری است. در این مصوبه که نسبت به شیوه عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی دو کشور مصر و سوریه تصمیم‌گیری شده است، مطالبی نهفته است که بیانگر نیت اشغالگری این رژیم است.

در این مصوبه کابینه رژیم صهیونیستی در چهره‌ای صلح‌جویانه که در راستای رویکرد کلان عملیات روانی آن رژیم در دست زدن به نبرد شش روزه بود، ادعا کرد که آماده عقب‌نشینی از جولان است.

در متن مصوبه آمده است؛ استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی بر پایه شناسایی مرزهای بین‌المللی و تأمین نیازهای امنیتی، امضای توافقنامه صلح به سوریه را پیشنهاد می‌دهد. این توافقنامه شامل موارد زیر است: ۱- کلیه بلندی‌های سوری که هم‌اکنون در کنترل ارتش استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی قرار دارد از هرگونه سلاح تخلیه شود؛ ۲- دولت سوریه برای همیشه تعهد کند در زمینه انتقال آب از سرچشمه‌های رود اردن که به استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی جاری است، دخالت نکند و تا هنگامی که توافقنامه صلح با سوریه امضاء شود، استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی به حفظ و نگهداری مناطقی که در اختیار دارد، ادامه دهد (Tesch, 2019; 152). در حالی که کِنست رژیم صهیونیستی در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱، در جلسه‌ای ویژه، به طور یکجانبه و بی‌اعتنا به قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸ و ۴۴۶ شورای امنیت سازمان ملل، با این استدلال که جولان به صورت عملی به استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی منضم شده است، قانون جولان را تصویب و مناطق غرب خط آتش بس ۱۹۷۴ تا مرز ۱۹۲۳ را به خاک استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی منضم ساخت و با لغو حکومت نظامی در آنجا، آن را در تابعیت قوانین مدنی رژیم صهیونیستی قرار داد. هرچند، در نص قانون از کلمه انضمام استفاده نشد تا راه مذاکره با سوریه بسته نشود (Tesch, 2019; 159). سخنان و گفته‌های زمامداران رژیم صهیونیستی نیز گویای این مطلب است که این رژیم با اهداف ازپیش طراحی شده اقدام به آغاز جنگ کرده است. در این باره «مناخیم بگین»، نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی در آگوست ۱۹۸۲ طی مصاحبه‌ای با روزنامه «نیویورک تایمز» درباره شروع جنگ گفت: «در ژوئن ۱۹۶۷ استقرار نظامی جمال عبدالناصر در سینا به گونه‌ای نبود که نشان دهد مصر در پی حمله به رژیم صهیونیستی است، باید کمی صادق باشیم و به خودمان دروغ نگوئیم. رژیم صهیونیستی خود تصمیم گرفت وارد این جنگ شود و حمله را آغاز کند» (R. Hammon, 2010). «اسحاق رابین»، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی نیز در فوریه ۱۹۸۶ در گفت‌وگو با روزنامه «لوموند» فرانسه طی اعتراف صریحی درباره این جنگ گفت: «فکر نمی‌کنم که جمال عبدالناصر درصدد وارد شدن به چنین جنگی با رژیم صهیونیستی بود و از سوی دیگر عبدالناصر در ۱۳ می ۱۹۶۷ تنها ۲ گردان از نیروهای خود را در سینا مستقر کرد. بنابراین هم مصری‌ها و هم رژیم صهیونیستی به‌خوبی می‌دانستند که دولت مصر در پی جنگ با رژیم صهیونیستی نیست» (Forthofer, 2011). به عبارتی، هم مصوبه و هم اظهارات مقامات رژیم، اگرچه مستقیماً به چرایی آغاز جنگ و تصرف سرزمین جولان اشاره‌ای نمی‌کنند اما به نوعی به این مطلب اشاره دارند که چرا با گذشت حدود نیم سده از این رویداد، رژیم صهیونیستی همچنان مصمم به اشغال پایدار بلندی‌های جولان است. اشغالی که هرگز از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته

نشد و هیچ یکی از اعضای سازمان ملل زیر بار تأیید آن نرفته‌اند. برای نمونه آمریکا به عنوان حامی اصلی رژیم صهیونیستی، در گزارش‌های سالانه خود درباره وضعیت حقوق بشر، بلندی‌های جولان را منطقه "اشغال شده توسط رژیم صهیونیستی" خوانده (دویچه وله فارسی، ۲۰۱۹) و روسای جمهور پیشین آمریکا با اینکه از منافع امنیتی رژیم صهیونیستی در جولان حمایت کرده‌اند، مرزهای نهایی را منوط به گفت‌گویی رژیم صهیونیستی و سوریه دانسته‌اند. یک مثال کلیدی، نامه‌ای در سال ۱۹۷۵ از سوی رئیس جمهور "جرالد فورد" به نخست وزیر رژیم صهیونیستی "اسحاق رابین" بود که بیان می‌داشت: «ایالات متحده از توافقنامه صلحی با سوریه حمایت می‌کند که امنیت رژیم صهیونیستی را از جانب حملات ناشی از بلندی‌های جولان تضمین کند و به خاطر اهمیت دادن به همین موضع رژیم صهیونیستی است که مجاب شده است که رژیم صهیونیستی در جولان باقی بماند». طی زمامداری "ریگان" در دسامبر ۱۹۸۱ نیز شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آرا تصویب قطعنامه ۴۹۷ را در پاسخ به الحاق جولان به رژیم صهیونیستی تصویب کرد و اظهار داشت: «تصمیم رژیم صهیونیستی مبنی بر حاکمیت و اعمال قوانین خود در بلندی‌های جولان اشغالی پوچ و فاقد اعتبار قانونی در عرصه بین‌المللی است» (Zanotti, 2019/3/26 & Humud). حال، اما با گذشت بیش از ۵ دهه از مناقشه رژیم صهیونیستی و سوریه بر سر بلندی‌های جولان، در ۲۵ مارس ۲۰۱۹، ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، بر پایه این منطق که هر توافقنامه صلح آینده باید با تهدیدهای رژیم صهیونیستی از جمله ایران و گروه لبنانی تحت حمایت ایران مقابله کند، اعلامیه‌ای را امضا کرده است که بیان می‌کند: «ایالات متحده الحاق ارتفاعات جولان به رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد» (Humud & Zanotti, 2019/3/26). پیش‌تر ترامپ با انتشار یک پست توئیتری اعلام کرده بود که پس از گذشت ۵۲ سال زمان آن رسیده است که آمریکا حاکمیت رژیم صهیونیستی بر این منطقه را به رسمیت بشناسد. بنیامین نتانیاهو نیز با انتشار یک پست توئیتری از سیاست ترامپ مبنی بر به رسمیت شناختن حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بلندی‌های جولان تشکر کرد و نوشت: «درست در زمانی که ج.ا. ایران بر آن است تا از سوریه به مثابه پایگاهی برای نابودی رژیم صهیونیستی بهره گیرد، دونالد ترامپ حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بلندی‌های جولان را به رسمیت شناخته است» (دویچه وله فارسی، ۲۰۱۹).



نقشه شماره (۱): توپوگرافی بلندی‌های جولان

در این باره، وزیر امور خارجه آمریکا بر این باور است که اقدامات کاخ سفید در این خصوص نه تنها قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را نقض نمی‌کند، بلکه آمریکا نیت خوب خود را به نمایش می‌گذارد که «قدرت نیکوکاری در منطقه» است... که امکانات برای ثبات در کل منطقه را گسترش می‌دهد (اسپوتنیک فارسی، ۲۰۱۹). سیاست و اقداماتی که با مخالفت شدید جهانی و از جمله کشورهای منطقه روبه‌رو شد. در واپسین مخالفت‌های بین‌المللی، در نشست شورای امنیت (۲۷ مارس ۲۰۱۹)، هرگونه جنبه حمایتی درباره این تصمیم کاملاً رد شده و کشورهای مهمی مانند اعضای اتحادیه اروپا، آن را غیرقانونی دانسته، در مورد پیامدهای گسترده‌تر آن ابراز نگرانی کرده‌اند. در این باره، "استفان دوچاریک"، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل متحد در نشست خبری روزانه خود در واکنش به تصمیم آمریکا در به رسمیت شناختن بلندی‌های جولان به عنوان بخشی از سرزمین رژیم صهیونیستی گفت: «موقعیت بلندی‌های جولان تغییر نیافته و سیاست سازمان ملل نسبت به بلندی‌های جولان در قطعنامه‌های شورای امنیت این سازمان به وضوح اعلام شده است. دفتر سخنگوی اتحادیه اروپا هم در جوابیه‌ای که در پاسخ به سؤال خبرنگار آناتولی منتشر کرد با تأکید بر تغییرناپذیری موضع اتحادیه اروپا در موضوع سرزمین‌های اشغالی، گفت: «ما حاکمیت استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی بر سرزمین‌هایی که پس از ژوئن ۱۹۶۷ اشغال شده بر اساس

حقوق بین‌الملل را به رسمیت نمی‌شناسیم و این مناطق را جزوی از خاک رژیم صهیونیستی نمی‌بینیم». اتحادیه عرب نیز این اقدام را نشانه خروج رهبران واشنگتن از معاهدات و حقوق بین‌المللی دانست و اعلام کرد: «اگر اشغالگری جرم باشد مشروعیت بخشی به آن حداقل به همان اندازه خطرناک است. قوی بودن به معنی محق بودن نیست... اشغالگری هرچند کوتاه یا بلندمدت قطعاً نمی‌تواند مشروع باشد (www.trt.net.tr, 2019/3/26)». این پژوهش بر این فرضیه استوار است که رژیم صهیونیستی با اهداف از پیش طراحی شده اقدام به تصرف و استمرار اشغال جولان کرده است و ضمن تاکید بر اهمیت نظامی این منطقه برای رژیم صهیونیستی به واکاوی اهمیت هیدروپلیتیک آن برای این رژیم می‌پردازد. به طوری که با استناد بر شواهد موجود، این منطقه از اولین روزهای پس از اشغال تاکنون، محل اجرای طرح‌های متعدد کشاورزی، اسکانی، آبرسانی و نظامی استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی است.

بنیادهای نظری پژوهش

هیدروپلیتیک

نزدیک به ۹۷٫۵ درصد از منابع آب کره زمین شور است. از ۲٫۵ درصد آب شیرین در دسترس نیز نزدیک به یک سوم در قالب دریاچه‌ها، رودها، آبخوان‌ها به طور نابرابر توزیع شده و در موارد بسیاری مرزهای ملی را درنوردیده و امنیت آبی را به مسئله‌ای حیاتی برای بسیاری از کشورها تبدیل کرده است (Albergaria & Tiburcio, 2018: 18). برآوردها نشان می‌دهند که طی یک سده گذشته با وجود سه برابر شدن جمعیت جهان، سرانه مصرف جهانی آب نیز سه برابر شده است (Okello, 2015: 1265). به شکلی که این نگرانی رو به افزایش است؛ در آینده نزدیک، کمبود یا دسترسی محدود یا نابرابر به منابع آب، می‌تواند به درگیری‌های درون و برون سرزمینی بیانجامد (Worcester, 2016: 1). بر این پایه، بحران کمبود آب و فزاینده‌ی پیامدهای آن در اثر افزایش مصرف، موجب شده که آب، نقش بنیادی‌تری در جهت‌دهی به روابط سیاسی - اجتماعی واحدهای سیاسی - فضایی و سازه‌های انسانی به ویژه در مناطق خشک جهان بیابد. به گونه‌ای که امروزه مسئله آب بر امنیت و روابط واحدهای سیاسی - فضایی تأثیر گذارده است. تبیین چنین جستارهایی که گویای در هم‌تنیدگی مناسبات قدرت با آب در هر مقیاسی که باشد در قالب دانش‌واژه هیدروپلیتیک بررسی و واکاوی می‌شود. به طوری که مفهوم هیدروپلیتیک در برگیرنده مناسبات قدرت کنشگران (فراملی) و بازیگران (فراملی) بر سر مسائلی است که به نوعی در پیوند با کمبود

آب شیرین قرار می‌گیرد. بدین ترتیب هیدروپلیتیک نقش آب در رفتار و مناسبات سیاسی جوامع انسانی و واحدهای سیاسی - فضایی را بررسی می‌کند (کاویانی‌راد، ۱۳۹۷: ۱).

هیدروهمژمونی

در حالی که جمعیت این سیاره در ۱۰۰ سال گذشته چهار برابر شده، مصرف جهانی آب از ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۰ تقریباً هشت برابر افزایش داشته است (Klimes et al, 2019: 1). وضعیتی که موجب شده است تاکنون ۷۰۰ میلیون نفر از جمعیت جهان، در ۴۳ کشور جهان، زیر آستانه تنش آبی (۱۷۰۰ مترمکعب در سال) قرار بگیرند (Worcester, 2016: 1). تنها در جهان سوم، در ۸۰ کشور که تقریباً تشکیل دهنده ۴۰ درصد جمعیت جهان هستند، مشکل کمبود آب به واقعیتی روزمره تبدیل شده است. در این کشورها مردم از کمبود آب برای مصارف شخصی و خانوادگی رنج می‌برند. ۱٫۲ میلیارد نفر از نظر کمی و ۱٫۸ میلیارد نفر از نظر بهداشتی (به لحاظ کیفی) در مضیقه آبی قرار دارند. افزون بر این در جهان سوم، نزدیک به ۸۰ درصد از بیماری‌ها و ۳۰ درصد مرگ و میر غیرطبیعی برخاسته از "بیماری‌های آبی" و آب‌های آلوده است (Al-Ansari et al, 2018: 187). تنش در منابع جهانی آب همچنان در آینده نزدیک تشدید خواهد شد. پیش‌بینی جمعیت جهانی گویای این است که جمعیت زمین تا سال ۲۰۵۰، با افزایش ۲٫۲ میلیاردی، به ۹٫۷ میلیارد نفر خواهد رسید. همچنین برآورد می‌شود که تولید ناخالص داخلی جهان تا میانه این سده به میزان ۲٫۶ درصد در سال افزایش داشته باشد. توسعه اقتصادی و افزایش جمعیت با افزایش تقاضای جهانی برای آب همراه خواهد بود. لذا سازمان همکاری و توسعه اقتصاد جهانی انتظار دارد که با افزایش ۴۰۰ درصدی تقاضا برای آب در بخش تولید، ۱۴۰ درصدی در بخش انرژی (برق) و ۱۳۰ درصدی در مصارف خانگی، مصرف جهانی آب تا سال ۲۰۵۰، رشدی ۵۵ درصد داشته باشد. بر پایه این پیش‌بینی‌ها، ۳٫۹ میلیارد نفر از مردم جهان در حوضه‌های دچار تنش شدید آب، از جمله تقریباً همه آسیای مرکزی و جنوب آسیا، خاورمیانه، شمال آفریقا و بسیاری از چین سکنی خواهند داشت (Klimes et al, 2019: 1). افزون بر پیچیدگی چنین سناریویی، آب از تنش‌های سیاسی هم به دور نبوده است. چرا که در فراسوی مرزها، جمعیت و ملت‌ها، آب در سطوح مشترک ملی و بین‌المللی قرار می‌گیرد. در واقع، عبور ۳۱۰ حوضه رودخانه‌ای از میان مرزهای دو یا چند کشور به خودی خود منبع بی‌ثباتی سیاسی است (Grech-Madi et al, 2018; 100). به ویژه اینکه، این حوضه‌ها بخش‌هایی از ۱۴۵ کشور، و تمامیت سرزمین ۳۰ کشور را در بر گرفته‌اند (www.unwater.org). این یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت جهان در داخل حوضه این رودها و

بیش از ۹۰ درصد در درون کشورهای دارنده این حوضه‌ها، سکنا دارند. این وضعیت درباره آبخوان‌ها که منبع آب آشامیدنی نزدیک به یک چهارم جمعیت جهان هستند، نیز صادق است (Albergaria & Tiburcio, 2018: 18). ناهم‌سویی بر سر رودخانه‌های بین‌المللی، اغلب به علت استفاده بی‌رویه آب رودخانه در بخش علیای رود و کاهش میزان آب جاری به کشور یا کشورهای واقع در بخش سفلی رود و گاه کاهش کیفیت آب رودخانه بر اثر آلوده شدن آب در بخش بالادست رودخانه روی می‌دهد. اما ممکن است عوامل دیگری غیر از موارد یاد شده، باعث اختلاف و کشمکش کشورهای کناره رود شوند، مانند بهره‌برداری از رودخانه برای کشتیرانی، ماهی‌گیری، انتخاب رود به عنوان خط مرزی و انحراف رود از مسیر خود که باعث برهم خوردن خط مرزی می‌شود. کشمکش و درگیری بر سر کیفیت منابع آب، به آسانی از راه همکاری کشورهای کناره رود، قابل حل است. اما اختلاف بر سر کمیت منابع آب و مسئله کاهش منابع آب به دشواری قابل حل است و در بسیاری از موارد، تهدیدی برای درگیری و منازعه میان کشورهاست (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۴). این مسئله ممکن است تا حدی از نقص قوانین بین‌المللی در این رابطه برخاسته است، به گونه‌ای که در حال حاضر قانون صریح و قاطع بین‌المللی برای حمایت و تقسیم آب بین کشورها و جوامع ذی‌نفع وجود ندارد و یک سوم رودخانه‌های جهان تابع قراردادهای خاص محلی و منطقه‌ای هستند (مختاری‌هشی و قادری‌حاجت، ۱۳۸۷: ۱۳۴). با این حال از یک سو کوشش بیشتر کشورهای جهان برای بهره‌برداری حداکثری از منابع آب رودخانه‌های خود برای تأمین نیاز داخلی (Al-Ansari et al, 2018: 187) و از سوی دیگر، نبود عدم تقارن قدرت میان اعضای یک حوضه رودخانه شاید مانع اصلی برای حل و فصل اختلافات و بروز درگیری باشد. در این باره غالباً چنین برداشت می‌شود که اگر کشور بالادست رودخانه، قوی‌تر از کشورهای پایین‌دست باشد (مانند موقعیت ترکیه در برابر سوریه و عراق)، رسیدن به توافق دشوارتر می‌شود (میرزایی‌پور، ۱۳۸۹: ۲۷). زیرا نگاه کشورهای فرادستی به آب، نگاه ابزاری برای دستیابی به اهدافشان است. اما فزونی‌خواهی رژیم صهیونیستی در فرودستی رودخانه اردن و زیاده‌خواهی مصر در پایین‌دستی رودخانه نیل، نشان می‌دهد که مانع دستیابی به توافق نه تنها در موقعیت "فرادستی" بلکه در موقعیت "هیدروهمژمونی" است، به عبارتی ممکن است کشوری از نظر موقعیت جغرافیایی در وضعیت بالادستی رودخانه قرار داشته باشد اما این تنها یک عامل از عوامل هیدروهمژمونی است که لزوماً به معنای برتری همژمونیک آن کشور بر کشورهای پایین‌دستی نیست. چرا که از منظر وزن ژئوپلیتیک، ضعیف‌تر و یا به واسطه اعمال قراردادهای بین‌المللی، این وضعیت فرادستی برای کشور یاد شده برتری به همراه نداشته باشد. بنابراین، جغرافیا تنها زمانی

می‌تواند سودمند باشد که یک کشور بالادستی قدرت جغرافیایی را با دیگر قدرت‌های مالی، اقتصادی، نظامی و دیپلماسی درآمیخته باشد (Seifu merid, 2016: 38). چنانچه مصر و رژیم صهیونیستی به عنوان بازیگران فرودستی حوضه رودهای نیل و اردن به دلیل وزن ژئوپلیتیک مطلوب نسبت به دیگر کشورهای بالادستی و نیز قراردادهای وضع شده (در مورد مصر)، همچنان سهم مطلوبی از حقبه تاریخی خود دریافت می‌کنند. به عبارتی، شکل‌گیری ساختار هیدروهمومونی یک منطقه تنها زمانی ممکن است که کشوری بتواند موقعیت رهبری خود را نه تنها با "اعمال زور" بلکه به واسطه دیگر منابع مادی و غیرمادی قدرت اعمال کند (Seifu merid, 2016: 29). جالب اینکه، فقط در جهان سوم بیش از ۱۶۵ حوضه رودخانه بین‌المللی از این دست شناخته شده است که همواره یک قدرت منطقه‌ای غالب در آن وجود دارد (Al-Ansari et al, 2018: 188). در این راستا، "زیتون" و "وارنر"، هیدروهمومونی را برتری در حوضه یک رودخانه می‌دانند که از طریق راهبرد کنترل منابع آب ایجاد می‌شود. این استراتژی از راه تاکتیک‌هایی مانند تهدید و فشار، بستن قراردادها و ساخت و ساز تاسیسات زیربنایی اجرا شده و با توجه به ضعف نهادهای بین‌المللی، کشور قوی‌تر را قادر به استفاده از آب بیشتری می‌سازد (میرزایی پور، ۱۳۸۹: ۲۸).

نتیجه اینکه، کارشناسان بر این باورند که بی‌ثباتی و کشمکش بر سر منابع طبیعی قطعی است و باید تمرکز تحلیگران امنیتی در وضعیت کنونی بر این نکته باشد که کی و کجا کشمکش‌های پیونددار با منابع آب رخ خواهد داد. بر پایه این برداشت اگر آب، منبع رشد اقتصادی و سیاسی باشد که به طور قطع چنین است، دسترسی به منابع آبی می‌تواند توجیهی برای آغاز جنگ باشد و سامانه عرضه آب نیز به هدفی برای تهاجم نظامی مبدل شوند. با افزایش تقاضا برای منابع آب و آلوده شدن آب‌های رو و زیرزمینی در بسیاری از مناطق جهان، آب به متغیر مهمی در روابط سیاسی بین کشورها تبدیل خواهد شد و احتمال رویداد منازعه و درگیری بر سر آن تشدید خواهد شد. در این صورت رودخانه‌های بین‌المللی محل منازعه و درگیری خواهند بود (نامی و محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۸). چنین مسائلی، سبب شده‌اند که برخی پژوهشگران با نگرش به نامگذاری قرن بیستم به سده نفت، قرن بیست و یکم را به نام "قرن آینده سده آب" بنامند؛ قری که در آن آب تبدیل به موضوعی خواهد شد که زاینده و زاینده درگیری‌های خشونت‌باری خواهد بود. بدیهی است که ژئوپلیتیک بحران در جنگ آبی، مناطق خشک و کم آب جهان خواهند بود (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۷۵). "ولف" و همکارانش در پژوهشی در سال ۲۰۰۳ با بررسی ۱۸۳۱ برخورد آبی بین مرزی که میانه سال‌های ۱۹۵۰-۲۰۰۰ رخ داده است، به این نتیجه رسیدند که مسائل آبی همیشه یکی از محرک‌ها و برانگیزنده‌های جنگ بوده و می‌تواند باشد. آن‌ها با ارائه نمونه اختلافات، یادآوری

کرده‌اند آب از جمله اختلافاتی است که حتی در مذاکرات نیز به سختی حل و فصل می‌شود (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۸۲). "الهانس" نیز با توجه به دو عامل پیچیده «کمبود منابع آب شیرین برای مصرف‌های چندگانه اجتماع انسانی که در بخش‌هایی از جهان سوم مشهود است» و «آبگیر رودخانه‌هایی که دو یا چند دولت بر آن حاکمیت (یا ادعای حاکمیتی) دارند» موضوع سیاست آب در جهان سوم را بررسی کرده و این فرضیه را به آزمون گذاشته است که اگر این دولت‌ها توانایی یا اراده لازم برای همکاری بر سر منابع آبی مشترک را نداشته باشند، آن‌گاه این منابع آبی، برای تبدیل شدن به موضوع درگیری‌های خشونت‌بار و نه الزامات نظامی) قابلیت و ظرفیت زیادی دارند (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۷۷). "نازلی چوسری" و "رابرت نورث" نیز بر این نظر هستند که جنگ‌های جهانی اول و دوم، بیشتر بر سر منابع کمیاب و تجدیدناپذیر رخ داده‌اند؛ در آینده نیز کشورهای مدرن و کشورهای جهان سوم به شدت بر سر منابع با هم درگیر خواهند بود. این درگیری برای منابع تجدیدپذیر کمتر است، اما درباره آب (که در وضعیت کنونی جهان، از منابع تجدیدناپذیر به شمار می‌رود)، وضع متفاوت خواهد بود زیرا بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان در حوضه رودخانه‌های مشترک زندگی می‌کنند که همگی به آب آن رودخانه نیاز دارند (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۸۱). امروزه نزدیک به ۵۰ کشور در پنج قاره جهان در چنین وضعیتی قرار دارند. بر بنیاد پژوهش‌های انجام شده در دهه ۱۹۹۰، در جهان ۱۰ منطقه وجود دارند که اختلاف بر سر منابع آبی مشترک مرزی کشورها، می‌تواند به جنگ‌های خانمان‌سوزی بیانجامد (زرقانی و لطفی، ۱۳۹۰: ۶۴). همچنین نمونه‌های متعددی از درگیری کشورها را می‌توان برشمرد که مسئله آنها برخاسته از کمبود منابع آبی یا آلودگی آب‌های رو و زیرزمینی است (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۶۶). خاورمیانه بهترین نمونه و مصادق از این مناطق است که از منظر هیدروپلیتیک با بحران مواجه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند، قرارگیری این منطقه در کمربند خشک جهان موجب شده تا این منطقه علی‌رغم داشتن ۵ درصد جمعیت جهان تنها ۱ درصد آب‌های شیرین قابل دسترس را در اختیار داشته باشد. میانگین بارش سالانه در این منطقه ۱۶۶ میلیمتر در سال است و سرانه سالانه آب در ۱۲ کشور این منطقه کمتر از ۵۰۰ متر مکعب است (Al-Ansari et al, 2018: 187). از نظر تاریخی نیز تقریباً تمامی منابع آب آن مورد استفاده مشترک کشورهای این منطقه بوده است به طوری که بیش از ۵۰ درصد جمعیت این منطقه در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند که این مسئله همیشه منبع عمده تولید خشونت [محسوب شده] و هنگامی که با خصومت‌های قومی، اختلافات ارضی و مرزی و تعارضات سیاسی و مذهبی نیز درآمیخته در ورای مسائل اقتصادی و معیشتی] به ابزاری سیاسی در معادلات منطقه مبدل شده است (فغانی، ۱۳۷۸: ۳) تا آنجا که

شماری از کشورهای این منطقه تن به رویارویی نظامی داده‌اند و از مجموع نزدیک به ۳۷ مورد خشونت بر سر آب (در ۵۰ سال گذشته)، ۳۰ مورد آن را به خود اختصاص داده است (بزی، خسروی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱). طنز تاریخ این است که منطقه خاورمیانه در هر دو مورد (نفت و آب)، خیزشگاه مسئله خواهد بود. منطقه‌ای که در سده بیستم به دلیل تاراج منابع نفتی‌اش آسیب دیده و اکنون در سده بیست و یکم در حوضه‌هایی مانند اردن و منطقه دجله و فرات و شبه جزیره عربستان و جاهای دیگر، باید شاهد تنش‌های آبی باشد (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۷۵).

محیط‌شناسی پژوهش

جولان اشغالی

منطقه جولان در جنوب باختری سوریه در استان قنیطره با مساحتی افزون بر ۱۸۶۰ کیلومتر مربع (حدود ۱ درصد مساحت سوریه)، درازای بیش از ۶۵ کیلومتر و پهنای بین ۱۲ تا ۲۵ کیلومتر در سرحد کشورهای لبنان، اردن، سوریه و فلسطین قرار دارد. رژیم صهیونیستی طی جنگ ۶ روزه نزدیک دو سوم آن (۱۲۳۰ کیلومتر مربع)، یعنی اندکی کمتر از وسعت لندن بزرگ را به اشغال خود در آورد. پس از اشغال رژیم صهیونیستی، نزدیک به ۹۵ درصد از بومیان جولان (۱۳۰۰۰۰ نفر) را به کوچ از خانه‌های خود واداشت و از بازگشت آنها به خانه‌هایشان خودداری کرد (تنها ۵ درصد از جمعیت اصلی باقی ماندند). پس از آن، ارتش رژیم صهیونیستی کوشش گسترده‌ای برای تخریب خانه‌های آنها، تخریب یک شهر و ۳۴۰ روستا و مزرعه آغاز کرد. این مناطق توسط شهرک‌های کشاورزی رژیم صهیونیستی جایگزین شدند و اغلب از همان سنگ‌ها و مواد روستاهای و مزارع تخریب شده، استفاده کردند. امروزه دست کم ۲۳۰۰۰ مهاجر رژیم صهیونیستی به صورت غیرقانونی در ۳۴ شهرک صهیونیستی زندگی می‌کنند که همراه با ارتش رژیم صهیونیستی ۹۵ درصد از زمین‌های این منطقه را در اشغال خود دارند. در همین حال، جمعیت سوری نزدیک به ۲۵۰۰۰ نفر است که در پنج روستا در شمال بلندی‌های جولان اشغالی زندگی می‌کنند و تنها ۵ درصد از زمین‌های این منطقه را تحت کنترل دارند (<http://golan-marsad.org>). در حالی که رژیم صهیونیستی در بایگانی‌های خود از حشاشان بر سرزمین جولان دم می‌زند، در گزارش سازمان سیا در مورد منطقه در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۱ اعلام شده است که: «بلندی‌های جولان برای بیش از ۳۰۰۰ هزار سال هرگز بخشی از سرزمین یهود نبوده است». ساکنان اصلی جولان، اعراب متعلق به قبایل مهاجر یمن از جمله قبیله "قضان" و "الازد" هستند که سده‌ها پیش از اسلام از شبه‌جزیره

عربستان آمده بودند، در پژوهشی با عنوان "اسکان صهیونیسم در بلندی‌های جولان سوریه"، افزون بر اعراب و ترکمن‌ها که ۸۵ درصد از جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهند و اغلب مسلمان و اهل سنت هستند، منطقه شامل اقلیتی از علویان و مسیحیان نیز بوده است (Odeh et al, 2019). با این وجود، در حال حاضر بیشتر سوریان باقی مانده که امروزه در آنجا زندگی می‌کنند متعلق به مذهب "دروزی" هستند. دروزی‌ها بارها پیشنهاد شهروندی رژیم صهیونیستی را رد کرده و به عنوان افراد بدون تابعیت شناخته می‌شوند. آن‌ها گذرنامه ندارند و "اسناد مسافرتی" در اختیار دارند که در این اسناد، "ملیت" تعریف نشده است (Kastrinou et al, 2018: 1).

یافته‌های پژوهش

هیدرولوژی و منابع آب رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی در لبه یک کمربند بیابانی قرار دارد و بیش از ۶۰ درصد از مساحت آن بیابانی است. آب و هوای آن خشک و تنها شمال آن آب و هوای مناسب دارد. به ندرت هوای آن ابری شده و منبع اصلی آب آن بارانی است که در بهار بر آن و مناطق آبگیر منتهی به آنجا می‌بارد. در حالی که داده‌ها متفاوت هستند، اما برآورد می‌شود که میانگین بارش سالانه استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی نزدیک به ۵ میلیارد متر مکعب باشد که حدود ۳ میلیارد مترمکعب آن تبخیر یا از دسترس خارج می‌شود (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). در رژیم صهیونیستی هیچ رودخانه دائمی وجود ندارد و تنها رود اردن آن هم بعد از جنگ ۱۹۶۷ در مرز مشترک سوریه، اردن و رژیم صهیونیستی وجود دارد. بزرگ‌ترین دریاچه که آب‌انبار مرکزی رژیم صهیونیستی نیز به شمار می‌آید "کینرت" یا "طبریه" نام دارد که در دامنه بلندی‌های جولان قرار دارد و ۲۱ کیلومتر درازا و ۸ کیلومتر پهنا دارد (معموری و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۳۰) در مجموع برآورد می‌شود که کل منابع داخلی آب تجدیدپذیر این رژیم سالیانه افزون بر ۷۵۰ میلیون مترمکعب باشد. [این یعنی تقریباً ۲۶۵ متر مکعب به ازای هر نفر که به وضوح کمتر از ۱۰۰۰ متر مکعب معیار سازمان ملل برای تعریف «فقر آبی» است]. حدود ۲۵۰ میلیون متر مکعب آب سطحی و ۵۰۰ میلیون متر مکعب آب‌های زیرزمینی است. میزان آب‌های ورودی به کشور نیز ۳۰۵ میلیون متر مکعب در سال برآورد می‌شود که ۱۶۰ میلیون متر مکعب از لبنان (از جمله ۱۳۸ میلیون متر مکعب از رودخانه حاسبانی)، ۱۲۵ میلیون متر مکعب از سوریه و ۲۰ میلیون متر مکعب از کرانه باختری است. ورودی آب‌های زیرزمینی نیز به کشور ۷۲۵ میلیون متر مکعب در سال ارزیابی می‌شود. از جمله

۸۰ فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین

۳۲۵ میلیون متر مکعب از کرانه باختری، ۲۵۰ میلیون متر مکعب از سوریه (چشمه‌های دان) و ۱۵۰ میلیون متر مکعب از لبنان که ۹۲ درصد آنها قابل بهره‌برداری است (www.fao.org). توزیع مصرف آب در رژیم صهیونیستی نیز به شرح زیر است: ۷ درصد برای استفاده صنعتی، ۳۸ درصد برای استفاده خانگی و ۵۵ درصد برای کشاورزی. بر پایه داده‌های شرکت مکوروت، میانگین مصرف روزانه خانوار در رژیم صهیونیستی از میزان ۱۰۰-۲۳۰ لیتر به ازای هر سرانه است که در سنجش با دهه گذشته ۲۳۰۳ درصد افزایش یافته است. از مصرف آب کلی، بیشترین افزایش در مصرف خانوارها بوده است. افزایشی ۹۵ درصدی، در حالی که مصرف صنعتی تنها ۳/۴ درصد افزایش داشته و مصرف کشاورزی عملاً به علت کاهش اختصاص آب به کشاورزی، ۹،۴ درصد فروکاسته است (www.kkl-jnf.org).

بحران آب در رژیم صهیونیستی

جمعیت رژیم صهیونیستی، جمعیتی رو به افزایش است. بر پایه آمار سازمان CIA در سال ۲۰۱۷، رژیم صهیونیستی ۸ میلیون و ۱۷۴ هزار نفر جمعیت دارد. همچنین نزدیک به ۲۱ هزار نفر از رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان و تقریباً ۲۰۱ هزار نفر در قدس شرقی زندگی می‌کنند (Schaefer, 2018: 7). از این رو، با نگرش به رشد جمعیت و افزایش سطح زندگی، مصرف سالانه آب نیز در این منطقه رو به رشد است. بر بنیاد پیش‌بینی‌ها، میزان آب مورد نیاز از سال ۲۰۵۰ حدود ۳/۵ میلیارد متر مکعب در سال و میانگین آب تجدیدپذیر کمتر از ۱/۱ میلیارد متر مکعب خواهد بود. این بدین معنی است که رژیم صهیونیستی با کمبود سالانه ۲/۴ میلیارد متر مکعب آب روبه‌رو خواهد شد؛ یعنی حدود دو برابر میزان کمبود در سال ۲۰۱۵. مضاف بر اینکه دریافت این آب، بستگی به آب‌هایی دارد که از لبنان، سوریه و اردن به رژیم صهیونیستی جریان می‌یابد. در سال ۲۰۱۵، کل تقاضای آب در رژیم صهیونیستی حدود ۲،۲ میلیارد متر مکعب بود. در حالی که منابع آب رژیم صهیونیستی از جمله دریاچه طبریه و آبخوان‌های اصلی در ۱۰ سال گذشته فقط شامل ۱،۲ میلیارد متر مکعب آب بودند. یعنی فاصله تقاضا و منابع طبیعی در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۱ میلیارد متر مکعب رسید (http://mfa.gov.il).

از طرفی، تغییرات آب و هوایی نیز منبع نگرانی برای رژیم صهیونیستی و خاورمیانه است. بر پایه گزارش «نیویورک تایمز»، ۲۰۱۶ گرم‌ترین سال کره زمین بود. تغییرات آب و هوایی به ناامنی آب در سراسر خاورمیانه از جمله رژیم صهیونیستی و همسایگانش اردن، سوریه، لبنان و مصر انجامیده است (Schaefer, 2018: 7). برآوردها بر این است که تا سال ۲۰۵۰، در نتیجه تغییرات

آب و هوایی، حوضه آبریز دریای مدیترانه، کاهش ۳۰ تا ۵۰ درصدی را در منابع آب شیرین تجربه کند. این گرمای شدید بر رودخانه‌ها، دریاچه جلیله و بخش عمده صنعت کشاورزی رژیم صهیونیستی تأثیر خواهد گذاشت. به طوری که این رژیم در سال ۲۰۱۶ با خشکسالی دریاچه جلیله دست به گریبان شد (Milano et al, 2013: 498). همچنین کمبود آب در شمال رژیم صهیونیستی در ۱۰۰ سال اخیر، بدترین کمبود آب بوده است (Schaefer, 2018: 7). در این رابطه هاآرتص نوشت: حتی اگر سال ۲۰۱۸ به قدری بارانی باشد که نتوان این سال را پنجمین سال خشک‌سالی پیاپی نامید، رژیم صهیونیستی همچنان در وضعیت بحران قرار خواهد داشت. مقامات این رژیم نیز هشدار دادند که سطوح آب دیگر به میزان یک دهه پیش، زمانی که دریاچه جلیله (بزرگ‌ترین منبع آبی رژیم صهیونیستی) و سفره‌های آب زیرزمینی، پر بودند، نخواهد رسید. یکی دیگر از مقامات گفته است: "دریاچه جلیله هرگز به گذشته برنخواهد گشت و طی ۲۰ سال آینده به باتلاق تبدیل خواهد شد" (Eliahu, 2018). کمبود آب همچنین به زوال کیفی منابع آب آشامیدنی منطقه انجامیده است که بخشی از آن به صورت شوری آب و بخشی دیگر به صورت آلودگی آب مشهود است. آبخوان‌های زیرزمینی به عنوان یکی از منابع اصلی آب شیرین در این منطقه، به وضعیتی نزدیک هستند که می‌توان آنها را آب شور نامید. البته بخش کشاورزی بیشترین آسیب را به خاطر این بحران متحمل شده است (Eliahu, 2018).

تا چند سال پیش، کارشناسان آب رژیم صهیونیستی باور داشتند که نمک‌زدایی تا سال ۲۰۲۵ نیازهای آبی کشور را برآورده می‌کند، اما اکنون اعتراف می‌کنند که بخش آب در وضعیت بحرانی قرار دارد. بدین ترتیب، بحران کنونی به این واقعیت انجامیده است که یک طرح جامع برای سیاست، تغییرات سازمانی و عملیاتی لازم است تا وضعیت را تثبیت کند و تعادل آب را با چشم‌اندازی بلند مدت بهبود بخشد. به همین منظور، سازمان آب رژیم صهیونیستی و شرکت آب مکوروت، طرح اضطراری ۲/۲ میلیارد دلاری را جهت تضمین آب کافی برای خانه‌ها و کشتزارها تا سال ۲۰۵۰ ارائه کرده‌اند. این طرح اضطراری به مشکلات کوتاه‌مدت و بلندمدت گریبانگیر رژیم صهیونیستی در این زمینه پرداخته و چهار اقدام حفاری جدید برای فراهم‌سازی آب از سفره‌های زیرزمینی، سازه‌های جدید آب شیرین‌کن، پمپاژ آب به دریاچه جلیله و کاهش مصرف آب را بررسی کرده است (Eliahu, 2018). وضعیتی که همواره حفظ و دست‌اندازی بر منابع آبی مناطق مرزی و همسایگان را برای این رژیم و سوسه‌انگیز کرده به گونه‌ای که همواره چشم طمع این رژیم به دنبال تصاحب این آب‌ها بوده است. بر پایه داده‌ها، رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۴ جریان رود اردن در محل خروج از جنب دریاچه طبریه را منحرف کرد و با ایجاد سد در این نقطه، مانع

ادامه مسیر طبیعی رود اردن شد و آب آن را با تلمبه‌های بسیار قوی وارد شبکه‌ای متشکل از صدها کیلومتر لوله عریض کرد. رژیم صهیونیستی از این شبکه به عنوان تاسیسات آب‌رسانی ملی یاد می‌کند. سازه‌های یاد شده، آب رود اردن را به حیفا، تل‌آویو و صحرای نقب انتقال می‌دهد (معموری و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). تجاوز رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ نیز در همین راستا قابل واکاوی است، یعنی یکی از اهداف عمده رژیم صهیونیستی از اشغال جنوب لبنان، اشراف بر مسیر لیتانی بود که با استقرار کامل در آن منطقه، می‌توانست مجرای رودخانه لیتانی را به رژیم صهیونیستی تغییر دهد. رژیم صهیونیستی در بسیاری موارد نیز کوشیده تا از اهرم‌های فشار و تهدید برای رسیدن به اهداف خود در این زمینه بهره گیرد. برای نمونه در ژوئیه سال ۱۹۸۷، سوریه موافقتنامه ساخت سدی برای ذخیره ۲۲۵ میلیون متر مکعب آب امضا و برای اجرای آن از بانک جهانی تقاضای سیصد میلیون دلار سرمایه کرد. در این میان، رژیم صهیونیستی به عنوان یک کشور مجاور اعلام کرد که یکصد میلیون مترمکعب از این آب برای سهم این کشور قرار داده شود؛ در غیر اینصورت، تمام تلاش خود را برای عدم اعطای وام به کار خواهد گرفت و اگر این پروژه به هر شکل صورت پذیرد، به بمباران و تخریب آن اقدام خواهد کرد که نهایتاً وام آن کشور به تصویب نرسید (معموری و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). بدین ترتیب، این رژیم با اشغال بلندی‌های جولان که بارندگی‌های درخوری دارد، کنترل سرچشمه‌های رود اردن، حاسبانی، بانیا و چشمه‌های دان را به چنگ درآورد.

نقشه شماره ۲: رودخانه اردن و سرشاخه‌های اصلی آن



اهمیت نظامی جولان برای رژیم صهیونیستی

هرچند این پژوهش به دنبال بررسی ارزش هیدروپلیتیک جولان اشغالی است، با این حال وضعیت توپوگرافی جولان به گونه‌ای است که از نظر امنیتی نمی‌توان از آن چشم پوشید. به طور کلی تسلط بر جولان، این امکان را به رژیم صهیونیستی می‌دهد که هرگونه تحرک نظامی سوریه را زیر نظر داشته باشد و مانع حملات نظامی غافلگیرانه به این رژیم شود. به عبارتی نزدیکی جولان به دمشق (۶۰ کیلومتر)، ارزش بازدارندگی راهبردی برای این رژیم دارد. زیرا پایتخت سوریه و به عبارتی مرکز عصبی دولت سوریه در دسترس آسان ارتش رژیم صهیونیستی قرار دارد. کنترل رژیم اشغال‌گر قدس بر یکی از قله‌های کوه هرمون در شمال بلندی‌های جولان، امکان گردآوری اطلاعات مهم را برای این رژیم فراهم و امکان نظارت الکترونیکی عمیق بر سرزمین سوریه را فراهم می‌کند (Inbar, 2011: 8). از طرفی، بلندی‌های جولان بر دره رود اردن، منطقه الجلیل فلسطین اشغالی و مناطق منتهی به دمشق مشرف است، منطقه‌ای که بین بلندی‌های جولان و جنوب لبنان- که تحت کنترل حزب‌الله است- قرار دارد (Eiland, 2009: 17). هرگونه حمله از این منطقه، نیازمند چیرگی بر برتری توپوگرافی منطقه است و موانع طبیعی، پستی و بلندی‌های موجود در منطقه به نیروی دفاعی کوچک این امکان را می‌دهد که پاسخگوی حملات باشند. در جنگ اکتبر ۱۹۷۳، توپوگرافی جولان باعث شد که ۱۷۷ تانک رژیم صهیونیستی نزدیک به ۱۵۰۰ تانک سوریه را متوقف کند و به ارتش این رژیم فرصت داد تا واحد نیروی ذخیره را فراخواند (Herzog, 2005: 72). در سال ۱۹۸۲ نیز رویارویی بین واحدهای رژیم صهیونیستی و سوریه در عرصه لبنان، به بلندی‌های جولان گسترش نیافت. چرا که مرز کنونی در امتداد خط آبخیز - تپه‌های منطقه شرقی فلات - بهترین خط دفاعی در برابر حمله نظامی مرسوم از منطقه شرق است (Inbar, 2011: 8). تسلط بر بلندی‌های جولان، همچنین امنیت خلیج راهبردی حیفا در کرانه مدیترانه را تقویت می‌کند زیرا فاصله آن را با موقعیت سوریه حدود ۹۰ کیلومتر افزایش می‌دهد. حیفا منطقه خلیجی شکل در شمال باختری سرزمین‌های اشغالی است که مهمترین مرکز صنعتی آن نیز به شمار می‌آید و یکی از دو بندر مهم رژیم صهیونیستی یعنی بندر حیفا در آن قرار دارد و بخشی از مثلث راهبردی این رژیم را در کنار بیت‌المقدس و تل‌آویو تشکیل می‌دهد که بیشترین زیرساخت و جمعیت را دارد (Inbar, 2011: 7). از این رو، «واگذاری این سرزمین کابوسی راهبردی برای رژیم صهیونیستی خواهد بود، چرا که سکوی راهبردی برای نظارت بر سوریه، دمشق و فواتر از آن فراهم می‌کند» (Dia Odeh, 2019)، هرگونه عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از بلندی‌های جولان

تهدیدی برای دولت رژیم صهیونیستی تلقی خواهد شد که به دلیل بی‌ثباتی ذاتی در جبهه شمالی است (Hauseri & Zarfati, 2018: 30).

ارزش هیدروپلیتیک و اقتصادی جولان برای رژیم صهیونیستی

بخش مهمی از کشاورزی سوری- صهیونیستی بر هیدروپلیتیک جولان استوار است. سرزمینی تاریخی که افزون بر اهمیت نظامی، ارزش هیدروپلیتیکی نیز دارد. حوضه آبریز جولان به دو بخش تقسیم می‌شود. آب بخش باختری به مساحت ۹۵۰ کیلومتر مربع که مستقیماً به رود اردن می‌ریزد و آب بخش خاوری که از طریق رود «رقاد» و سپس «یرموک»، به رود اردن وارد می‌شود. این منطقه از مناطق پر بارش سوریه است، به طوری که ۱۴ درصد منابع آبی سوریه اکنون در اختیار استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی است و بدین ترتیب ۳۳٪ نیازمندی‌های آبی استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی را فراهم می‌کند. این بارش از سه منبع اصلی طبیعی آب در جولان یعنی دریاچه مسعده، رود اردن و دریاچه طبریا تأمین می‌شوند.

دریاچه مسعده که به درازای ۶۳۰ و عرض ۴۷۵ متر و عمق بیش از ۵۰ متر در دهانه یک آتشفشان خاموش در شمال جولان ایجاد شده و در نزدیکی جبل‌الشیخ قرار دارد. آب سیل و آب رودخانه محلی «صعار» به سوی آن روان است و شهرک‌های یهودی‌نشین شمال، استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی در خاک جولان و فلسطین در طرح تأمین ۱/۵ میلیون متر مکعب آب از آن بهره می‌برند.

رود اردن با درازای ۲۵۱ کیلومتر، بزرگ‌ترین رود و منبع اصلی تأمین آب شرب، صنعتی و کشاورزی استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی است و با سه حوضه آبریز بالادست، میان‌دست و پایین‌دست، در کشورهای سوریه، لبنان، اردن و فلسطین، ۱۸۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۶۳). این رود پیش از ورود به بحرالمت، مرز بین رژیم صهیونیستی و کرانه باختری با اردن را تشکیل می‌دهد (مختاری‌هشی و قادری‌حاجت، ۱۳۸۷: ۵۵). حوضه آبریز بالادست شامل آبهایی است که از سوریه و لبنان جاری می‌شود و تا دریاچه طبریا را در بر می‌گیرد. هرچند وسعت این بخش بیش از ۵ درصد، تمام سه حوضه را شامل نمی‌شود، ولی بیشترین آب رود را فراهم می‌کند. رود حاصبانی با ۱۳۸ میلیون متر مکعب و بریغیث با ۲۲ میلیون متر مکعب، دو رود لبنانی این حوضه هستند که سالانه ۱۶۰ میلیون متر مکعب آب رود اردن را تأمین می‌کنند. دو رود سوری بانایس با ۱۲۱ تا ۱۲۵ میلیون متر مکعب و دان با معدل ۲۴۵ الی ۲۵۰ میلیون متر مکعب، بخش دیگری از آب رود اردن را فراهم می‌کنند. در خاک فلسطین اشغالی نیز ۱۳۰ تا

۱۴۰ میلیون متر مکعب آب چشمه‌ساران و رودهای فصلی منطقه حولا به رود اردن می‌ریزد. آب رود اردن در این حوضه با کیفیت‌ترین آب استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی است و در هر لیتر، تنها ۱۰ میلی گرم نمک دارد. شمال جولان، غنی‌ترین منبع آب‌های زیرزمینی مورد بهره‌برداری اسرائیل است (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

دریاچه طبریا بلندی‌های جولان همچنین منبع تأمین آب دریاچه جلیله (طبریا) به عنوان بزرگترین منبع تأمین آبی این رژیم است. این دریاچه به وسیله آب‌های رودخانه‌های حاسبانی از جنوب لبنان و دان و بانیاس از منطقه جولان تغذیه می‌شود که [با پیوستن به هم در دامنه‌های جولان، رودخانه اردن را تشکیل داده و از فلات استراتژیک جولان می‌گذرد (Inbar, 2011: 12)]. این دریاچه به عنوان تنها منبع آب سطحی، تأمین کننده ۵۰ درصد نیازهای آب شیرین رژیم صهیونیستی است، سالانه حدود ۷۰۰ میلیون متر مکعب آب شیرین را از طریق خطوط لوله و کانال‌های طرح آبرسانی ملی به همه شهرهای عمده رژیم صهیونیستی از جمله «تل‌آویو» پمپاژ می‌کند (Inbar, 2011: 12). از طرفی رودخانه یرموک از شاخه‌های شرقی رود اردن است که بخش‌هایی از آن از دامنه‌های شرقی جولان در خاک سوریه سرچشمه گرفته و پس از کشور اردن در جنوب دریاچه جلیله به رود اردن می‌ریزد. این رودخانه حدود ۴۰ درصد از آب رود اردن را فراهم می‌کند (مختاری‌هشی و قادری‌حاجت، ۱۳۸۷: ۵۵). یرموک ۵۷ کیلومتر طول دارد که ۴۷ کیلومتر آن در خاک سوریه است و پس از شکل دادن مرز مشترک سوریه- اردن، وارد فلسطین می‌شود تا در فاصله‌ای کوتاه از مرز به رود اردن بپیوندد. از طرفی کنترل رژیم صهیونیستی بر بلندی‌های جولان از آلوده شدن این دریاچه جلوگیری می‌کند (Inbar, 2011: 12). لذا، اهمیت هیدروپلیتیک جولان برای رژیم صهیونیستی نه تنها به خاطر تأمین بخشی از نیاز آبی این رژیم، بلکه به دلیل اشراف این بلندی‌ها بر دیگر منابع آبی منطقه- به جهت هیدروهمومونی- است.

آب مناسب به همراه خاک حاصلخیز، اهمیت اقتصادی بلندی‌های جولان برای رژیم صهیونیستی را دوچندان کرده است. نگاهی به جایگاه این سرزمین در تأمین رفاه و مایحتاج غذایی صهیونیست‌ها، گویای این است که رژیم صهیونیستی به یاری فناوری پیشرفته، این عرصه را به منبع تأمین خواسته‌های خود تبدیل کرده است. به طوری که بیش از یکصد کیلومتر مربع این سرزمین، پوشیده از باغ‌های صنعتی است. از این باغ‌ها میوه، مرکبات، سبزی‌های خوراکی و صنعتی برداشت می‌شود و ۵۰۰ کیلومتر مربع این سرزمین برای تعلیف احشام مورد بهره‌برداری است. ساختار کشاورزی و دامپروری جولان، موجب شده نقش جدی در برخی تولیدات پیدا کند (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۷۴). بر

پایه مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، درآمد حاصل از محصولات کشاورزی جولان برای رژیم صهیونیستی بالغ بر ۱۴۳ میلیون دلار است و بسیاری از نیازهای بازار رژیم صهیونیستی را پوشش می‌دهد (Odeh et al, 2019) و (Bitorsoli, 2016: 15). مناطق توریستی جولان، بخش دیگری از جاذبه‌های ایجاد شده برای استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی است. به همین خاطر، بنیامین نتانیا‌هو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در بازدید از بلندی‌های جولان در ۸ اکتبر ۲۰۱۸ گفت: «کشاورزی منبع درآمد است که نباید کنار گذاشته شود... توسعه و ترویج توریسم در بلندی‌های جولان به جذب گردشگران از فلسطین اشغالی و خارج از آن، تقویت و توسعه خدمات بهداشتی در بلندی‌های جولان و ارائه طرح‌ها و سرمایه‌گذاری کمک می‌کند». بدین ترتیب، طی چند سال گذشته، رژیم صهیونیستی کوشیده است تا زمین‌های کشاورزی در جولان را گسترش دهد و امکاناتی برای ساکنان آنجا را فراهم کند. تا جایی که در سال ۲۰۱۴، کابینه رژیم صهیونیستی طرحی برای توسعه ۳۰۰۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی در منطقه را برای بهره‌برداری کشاورزی تصویب کرد. هدف از این طرح تأسیس ۷۵۰ شهرک کشاورزی با سرمایه‌گذاری به ارزش ۱۰۸ میلیون دلار است (Odeh et al, 2019).

در این باره، پیشینه چشم‌داشت جنبش یهود به بلندی‌های جولان حتی به پیش از تشکیل این رژیم بر می‌گردد. به گونه‌ای که رهبران صهیونیستی در سال ۱۹۱۹، یعنی دو سال پس از صدور بیانیه بالفور در سال ۱۹۱۷ خواستار تغییر در مرزهای ترسیم‌ی بعد از بیانیه بالفور شدند. در واقع، هدف اصلی این خواسته، آوردن منابع ارزشمند آب منطقه در کنترل منطقه تحت‌الحمايه فلسطین و در ادامه آن تحت کنترل دولت یهودی بود. در حقیقت، ترسیم مرزهای دولت تأسیس نشده رهبران صهیونیست بر پایه حوضه‌های آبی، نشان می‌دهد که وجود دولت یهودی تنها در سایه کنترل بر منابع آب منطقه معنی پیدا می‌کند (ولی قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۰۵). به طور خاص در رابطه با جولان نخستین کوشش‌ها برای اسکان یهودیان در جولان، در سال ۱۸۹۴، توسط «ادموند روتچیلد» آغاز شد و پس از آنکه کوشش وی برای اخذ موافقت حاکمان عثمانی برای ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در جولان با شکست روبرو شد، نسبت به خرید زمین روستاهای جلین، نبعه و بوسطاس در منطقه حوران از حاکمان انگلیسی اقدام کرد تا ۲۰۰ الی ۳۰۰ خانواده یهودی در آن مقیم شوند؛ اما مخالفت «کاظم پاشا» و حمله عشایر منطقه به نخستین گروه ۲۵ خانواری و فرار آنها، مانع از آمدن دیگران شد و این طرح شکست خورد. «دیوید بن گوریون» باور داشت مرزهای استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی در جنوب تا صحرای نقب و در شمال، از یک سو تا قنیطره و جنوب دمشق و از سوی دیگر تا عنجر و حاصیا در لبنان و از خاور تا کرک و معان و عقبه در

اردن گسترده است. بنابراین، در سال ۱۹۱۸، طی نامه‌ای به حزب کارگر انگلیس، خواستار تسلط بر جولان به منظور سیطره بر رودهای یرموک و اردن شد. در سال ۱۹۱۹ نیز سازمان جهانی صهیونیسم، طی یادداشتی برای کنفرانس صلح ورسای خواستار انضمام جولان و جبل‌الشیخ به وطن قومی یهودیان شد و «حیم وایزمن» نیز در نامه‌ای به «لوید جورج»، نخست وزیر بریتانیا، ضمن اعتراض به تقسیمات مندرج در توافقنامه «سایکس - پیکو»، جولان را بخشی از فلسطین تاریخی نامید و مدعی شد خط تقسیم نه تنها منابع آب رودهای لیتانی و اردن را از آن جدا کرده، بلکه این وطن قومی را از بهترین مناطق اسکان یهودیان در جولان و حوران که موفقیت طرح احیای سرزمین تاریخی قوم یهود به مقدار زیادی به آن بستگی دارد، محروم کرده است. در مجموع، یهودیان ادعای دینی یا نژادی بر این منطقه ندارند و این منطقه را بخشی از سرزمین موعود نمی‌دانند، اما رهبران استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی با دو رویکرد واقعگرایانه حداقلی و حداکثری به آن نگاه می‌کنند. حداقل‌گرایان، تسخیر و نگهداری جولان را شرط بقای استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی می‌دانند و حداکثرگرایان، آن را در قالب سرزمین استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی از نیل تا فرات به شمار می‌آورند (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۵۵). از این رو، زمانی که تحولات سال ۲۰۱۱ بحران در سوریه بالا گرفت، رژیم صهیونیستی کوشید که این منطقه را به هر شکل ممکن امن نگاه دارد تا جلوی حملات احتمالی نیروهای مقاومت بگیرد. در همین راستا با ایجاد ارتباط با برخی سران گروه تکفیری جبهه النصره که با حمایت قطر و ترکیه با طرح شعارهای مذهبی و طایفه‌ای دست به عملیات علیه دولت سوریه در این کشور زده بود، کوشید تمرکز عملیاتی آن‌ها را در مناطق حساس برای محور مقاومت در مرزهای لبنان قرار داده و با بزرگ‌نمایی حضور آن‌ها در مناطق مجاور بلندی‌های جولان، حضور نظامی و امنیتی خود را در این منطقه افزایش دهد تا از این طریق، از یک طرف مانع تحرکات ارتش سوریه و گروه‌های مقاومت در این منطقه شده و در صورت نیاز اقدام به عملیات نظامی علیه نیروهای مقاومت کند و از طرف دیگر نیز خلأ موجود در این منطقه حساس را با استفاده از النصره به جای نیروهای مقاومت پر کند (اندیشکده تبیین، ۱۳۹۶). این وضعیت سبب شده است تا عده‌ای بر این باور باشند که حتی اگر زمانی رژیم صهیونیستی طی روند صلح خاورمیانه، به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی واداشته شود، به تسلط خویش بر منابع آبی این مناطق ادامه خواهد داد. «نتانیاها»، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، نیز پیش‌تر با صحه گذاشتن بر این ادعا، عنوان کرده بود که «صرف‌نظر از کوشش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به تعارض با سوریه، بلندی‌های جولان، همواره بخشی از رژیم صهیونیستی باقی خواهند ماند» (Ahren, 2016/4/17).

نتیجه‌گیری

بحران کمبود آب و فزاینده‌گی پیامدهای آن در اثر افزایش مصرف، موجب شده که آب، نقش بنیادی‌تری در جهت‌دهی به روابط سیاسی- اجتماعی واحدهای سیاسی- فضایی و سازه‌های انسانی به ویژه در مناطق خشک جهان بیابد. به گونه‌ای که امروزه مسئله آب بر امنیت و روابط واحدهای سیاسی- فضایی تأثیر گذارده است. روندی که در کشورهای واقع در نوار بیابانی جهان با نگرش به تغییر الگوی بارش و کاهش بارندگی و افزایش مصرف آب در آینده گسترده‌تر خواهد شد. بازتاب وضع موجود در بسیاری از حوضه‌های آبریز مشترک به تغییر در مناسبات هیدروپلیتیک واحدهای سیاسی- فضایی انجامیده و به تقویت رویکردهای هم‌اوردی و هیدروهمومونی واحدهای سیاسی- فضایی انجامیده است. به شکلی که در برخی از مناطق جهان، منابع مشترک آب به آوردگاهی برای درگیری‌های بین‌المللی مبدل شده‌اند. بدیهی است که ژئوپلیتیک بحران در جنگ آبی، مناطق خشک و کم آب جهان خواهند بود. باختر آسیا بهترین نمونه و مصادق از این مناطق است که از منظر هیدروپلیتیک با بحران مواجه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند قرارگیری این منطقه در کمربند خشک جهان موجب شده است تا این منطقه علی‌رغم داشتن ۵ درصد جمعیت جهان تنها ۱ درصد آب‌های شیرین قابل دسترس را در اختیار داشته باشد. از نظر تاریخی نیز تقریباً همه منابع آب آن مورد استفاده مشترک کشورهای این منطقه بوده است، به گونه‌ای که بیش از ۵۰ درصد جمعیت این منطقه در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند که این مسئله همواره منبع عمده تولید خشونت به شمار آمده و هنگامی که با تنش‌های قومی، اختلافات سرزمینی و مرزی و کشمکش‌های سیاسی و مذهبی نیز درآمیخته، در ورای مسائل اقتصادی و معیشتی به ابزار سیاسی در معادلات منطقه مبدل شده است. در این رابطه بخش مهمی از کشاکش سوری- صهیونیستی بر هیدروپلیتیک جولان استوار است؛ سرزمینی تاریخی که افزون بر اهمیت نظامی، از ارزش هیدروپلیتیکی بالایی نیز برخوردار است. آب مناسب به همراه خاک حاصلخیز، اهمیت اقتصادی بلندی‌های جولان را برای رژیم صهیونیستی دو چندان کرده است. نگاهی به جایگاه این سرزمین در تأمین رفاه و مایحتاج غذایی صهیونیست‌ها، گویای این است که رژیم صهیونیستی به یاری فناوری پیشرفته، این عرصه را به منبع تأمین خواسته‌های خود تبدیل کرده است. این شرایط سبب شده است تا عده‌ای بر این باور باشند که حتی اگر زمسانی رژیم صهیونیستی طی روند صلح خاورمیانه، به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی مجبور شود، به تسلط خویش بر منابع آبی این مناطق ادامه خواهد داد. چنانچه «نتانیاها»، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، نیز پیش‌تر با صحنه گذاشتن بر این ادعا، عنوان کرده بود

تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک در پیدایش... ۸۹

که «صرف‌نظر از تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به تعارض با سوریه، بلندی‌های جولان، همواره بخشی از رژیم صهیونیستی باقی خواهند ماند».

منابع

۱. فارسی

- بزی، خدارحم؛ خسروی، سمیه و همکاران، (۱۳۸۹)، «بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)»، زاهدان: مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مجتهدزاده، پیروز و علی‌زاده، جعفر، (۱۳۸۵)، «هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان»، فصلنامه مدرس علوم انسانی. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۲.
- زرقانی، سیدهادی؛ لطفی، امین، (۱۳۹۰)، «نقش رودهای مرزی در همکاری و همگرایی منطقه‌ای»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، بهار و تابستان، شماره ۱۶.
- فغانی، حجت‌الله، (۱۳۷۸)، ابعاد سیاسی امنیتی بحران آب در خاورمیانه عربی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کاوایی‌راد، مراد، (۱۳۹۷)، جزوه درسی هیدروپلیتیک، منتشر نشده، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی.
- مرادی طادی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، «آب و سیاست: نگاهی به فرایند سیاسی شدن آب»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره؟، شماره؟
- مختاری‌هشی، حسین؛ قادری حاجت، مصطفی، (۱۳۸۷)، «هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵: مطالعه موردی حوضه دجله و فرات، رود اردن و رود نیل»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، بهار، شماره ۱.
- موسوی، سیدحسین، (۱۳۸۸)، بلندی‌های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۲.
- معموری، علی؛ کاظمی، سیدآصف، (۱۳۹۰)، «نقش رژیم صهیونیستی در بحران آب خاورمیانه»، فصلنامه سخن تاریخ، دوره و شماره؟
- میرزایی‌پور، طاهره، (۱۳۸۹)، «تبیین هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی، (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی آبهای مرزی ایران (رودخانه‌ها)، تهران: نشر زیتون سبز.
- ولی‌قلی‌زاده، علی، (۱۳۹۰)، «نقش آب به عنوان ابزار سیاسی در مناقشه فلسطین- رژیم صهیونیستی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، تابستان، شماره ۲.
- (۱۳۹۶/۴/۱۹)، تأثیرات بحران سوریه بر وضعیت بلندی‌های جولان، اندیشکده راهبردی تبیین، <http://tabyincenter.ir/13663>

- Al-Ansari, Nadhir, Nasrat Adamo, Sven Knutsson and Jan Laue, (2018), "Geopolitics of the Tigris and Euphrates Basins", *Journal of Earth Sciences and Geotechnical Engineering*, Vol. 8, No. 3.
- Albergaria Fábio de Queiroz, Tiburcio James A. P, (2018), The Effectiveness of Governance Mechanisms in Scenarios of Water Scarcity: The Cases of the Hydropolitical Complexes of Southern Africa and Jordan River Basin, Economics, Law and Policy, SCHOLINK INC., United States ISSN 2576-2060.
- Ahren, Raphael, (2016/4/17), "Netanyahu vows Golan Heights will remain part of Israel forever", www.timesofisrael.com/netanyahu-vows-golan-heights-will-remain-part-of-israel-forever.
- Bitorsoli, Marta, (2016), *The Syrian Golan: Five Decades of occupation*, Al-Marsad-Arab Human Rights Center in Golan Heights.
- Donald D.A. Schaefer, (2018), Water, Trump, and Israel's National Security, The Begin-Sadat Center for Strategic Studies, Bar-Ilan University, Ramat Gan 5290002 Israel.
- Eliahu, Gil, (2018/6/29), Israel is approaching a severe water crisis. www.haaretz.com/israel-news/business/israel-is-getting-closer-to-a-severe-water-crisis-1.5769555.
- Eiland, Gen.giora, (2009), "Defensible Borders on the Golan Heights", *Jerusalem: Jerusalem Center for Public Affairs*.
- Forthofer, Ron, (2011/5/31), The Six-Day War and a Possible Resolution. www.palestinechronicle.com/the-six-day-war-and-a-possible-resolution.
- Grech-Madin, Charlotte: Stefan Döring, Kyungmee Kim, Ashok Swain, (2018), "Negotiating Water Across Levels: A Peace and Conflict "Toolbox" for Water Diplomacy", *Journal of Hydrology*, <https://doi.org/10.1016/j.jhydrol.2018.02.008>
- Hasan, Hanaa, (2019/3/26), "Remembering the Egypt-Israel Peace Treaty", www.middleeastmonitor.com/20190326-remembering-the-egypt-israel-peace-treaty.
- Hauser, Zvi & Zarfati, Issac, (2018), Recognition of Israel's Sovereignty over the Golan Heights, ISBN 978-965-7674-46-8.
- Herzog, C, (2005), The War of Atonement, October 1973, Boston: Little, Brown and Co. pp.55-115.
- Inbar, Efraim, (2011), *Israeli Control of the Golan Heights: High Strategic and Moral Ground for Israel*, The Begin-Sadat Center for Strategic Studies Bar-Ilan University.
- Kastrinou, Maria, Fakher Al-Deen Salman, B. Emery Steven, (2018), Stateless but Rooted: Resistance, land and landscape in the Occupied Syrian Golan Heights. ERPI 2018 International Conference - Authoritarian Populism and the Rural World.
- Klimes, Martina, David Michel, Elizabeth Yaari, Phillia Restiani, (2019),

- “Water Diplomacy: The Intersect of Science, Policy and Practice”, *Journal of Hydrology*, <https://doi.org/10.1016/j.jhydrol.2019.02.049>.
- M. Milano et al, (2013), “Current state of Mediterranean Water Resources and Future Trends under Climate and Anthropogenic Changes”, *Hydrological Science Journal*, Vol. 58, no. 3, www.tandfonline.com/doi/pdf/10.1080/02626667.2013.774458?needAccess=true.
- Odeh, Dia |Mohamed Homs | Mourad Abdel Jalil | Haba Shahadah, (2019/4/5), Trump offers Syrian land to Israel: What is the story of Golan? <https://english.enabbaladi.net/archives/2019/04/trump-offers-syrian-land-to-israel-what-is-the-story-of-golan>.
- Okello Cornelius, Bruno Tomasello, Nicolas Greggio, Nina Wambiji and Marco Antonellini, (2015), “Impact of Population Growth and Climate Change on the Freshwater Resources of Lamu Island, Kenya”, *Quarterly Water* 7(3), ISSN 2073-4441.
- R. Hammond, Jeremy, (2010/7/4), Israel’s attack on Egypt in June ’67 was not ‘preemptive, www.foreignpolicyjournal.com/2010/07/04/israels-attack-on-egypt-in-june-67-was-not-preemptive.
- Tesch, Noah, (2019/3/29), “Six-Day War, Encyclopaedia Britannica”, www.britannica.com/event/Six-Day-War.
- Schaefer, Donald D.A, (2018), “Water, Trump, and Israel’s, National Security”, *The Begin-Sadat Center for Strategic Studies*, March 2018, pp 7-8.
- SEIFU MERID, HENOK, (2016), GRAND ETHIOPIAN RENAISSANCE DAM AND CHANGING POWER RELATIONS IN THE EASTERN NILE BASIN, A Thesis Submitted To the School of Graduate Studies of Addis Ababa University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts in Peace and Security Studies.
- Worcester, Maxim, (2016), “Water Security -A Source of Future Conflicts?” *Institut fur strategie- politik- sicherheits und wirtschaftsberatung*, Berlin.
- Zanotti, Jim: E. Humud, Carla, (2019/3/26), “Israel and Syria in the Golan Heights: U.S. Recognition of Israel’s Sovereignty Claim”, *Congressional Research Service*, www.everycrsreport.com/files/20190326_IN11081_fb2bb86eabf21c5da6bbb8af0dc87dcf7af1c402.pdf.
- Israel’s Fourth Aquifer. Keren Kayemeth LeIsrael Jewish National Fund. www.kkl-jnf.org/water-for-israel/israel-fourth-aquifer
- www.trt.net.tr/persian/jhn/2019/03/26/wkhsh-hy-gstrdh-bh-frmn-trmp-dr-mwrdr-blndy-hy-jwln-1170963
- (1967/11/22), Resolutions and Decisions of the Security Council 1967, Resolution 242, <https://unispal.un.org/DPA/DPR/unispal.nsf/07D35E1F729DF491C85256EE700686136>.
- (2018/8/21), Six-Day War, www.history.com/topics/middle-east/six-day-war.

تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک در پیدایش... ۹۳

<http://golan-marsad.org/wp-content/uploads/Al-Marsad-Overview-of-the-Occupied-Syrian-Golan-2.pdf>.

<http://www.unwater.org/water-facts/transboundary-waters>.

[http://mfa.gov.il/MFAFA/InnovativeIsrael/Israeli technologies/Pages](http://mfa.gov.il/MFAFA/InnovativeIsrael/Israeli%20technologies/Pages).

<https://ir.sputniknews.com/politics/201903284596328>.

www.fao.org/nr/water/aquastat/countries_regions/ISR.

www.dw.com/fa-ir/world/a-47913619.

www.dw.com/fa-ir/world/a-48016957.